

نفر به نفر

هومن جعفری
روزنامه‌نگار ورزشیما همیشه
کازابلانکا را داریم!

داستان مراکش شیرین شد. آنها حالا یکی از ۴ تیم نهایی جام جهانی هستند و مشغول لذت بردن از غرور ملی. مراکش برای رسیدن به چنین جایی برنامه ریزی نکرده. هیچ کس در فدراسیون فوتبال مراکش برنامه‌های برای رسیدن به جمع ۴ تیم برتر دنیا را ننوشتند! شاید دوره بعدی از گروه‌شان هم صعود نکنند. همه اینها درست ولی حال‌شان خوب است و حق دارند. بچه‌های‌شان در زمین برای کشور و وطن جنگیده‌اند. مراکش دو هزار و بیست و دو، مراکش جنگیدن تا سر حد توان نیست. مراکش جنگیدن برای افق‌های پیش‌رو است. آنها امروز سوار قالیچه سلیمان شده‌اند و از واحه‌ها و بیابان‌هایی گذر کرده‌اند که روزگاری افق دیدشان بود. دعای پدر و مادر همراه‌شان بوده یا آرزوهای یک ملت یا شانس تاریخی، مهم نیست! می‌توانند چهار سال بعد دوباره در جمع ۴ تا باشند؟ بعید است! ولی مهم این است که آنها حالا تصویری بزرگتر از خودشان در ذهن دارند. برای دور بعدی آنها مجهزترند، آماده‌ترند و رویاهای بزرگتری در سر دارند. این خودش نعمتی است!

مراکش به فینال
راه خواهد یافت؟

کسی چه می‌داند؟ با این همه دعای پدر و مادرهای‌شان که همراه با آنهاست. تا همین جای جام آنها محبوب‌ترین و شگفت‌انگیزترین تیم‌ها هستند.

مراکش حالا جای بهتری است. جایی که شاید همفتری بوگارت، دقعه بعد به ایلهز بگوید: عزیزم! ما همیشه کازابلانکا و قطر ۲۰۲۲ را توی دل مان داریم!

وسط این متن حسی، گریزی برنیم به ۴ سال قبل! در مراکش چه اتفاقی رخ داد که حذف شده گروه ما، حالا در نیمه‌نهایی برای بقیه دست تکان می‌دهد؟ هیچ! آنها پیشرفت طبیعی خود را کردند! ما چرا بهتر نشدیم؟ چون ما روند طبیعی خود را طی نکردیم. ما کی‌روش را رد کردیم و بدترش را آوردیم. آنها معقولانه جلو رفتند. ما... رها کنیم بحث را!

عاشقانه‌های یک شب فراموش نشدنی

از کازابلانکا تا پاریس
از رنار تا الرکراکی

کسی روی الرکراکی شناختی نداشت. روزی که فدراسیون فوتبال مراکش وحید هلیلهودزیج را کنار گذاشت و الرکراکی را استخدام کرد، همه تعجب کردند اما امروز خدا را شکر کردیم که هلیلهودزیج رفت و الرکراکی آمد.

این هوادار مراکش اما اعتقاد داشت که هلیلهودزیج مربی فوق‌العاده‌ای است: وحید فوق‌العاده بود. یک مربی آتالیست و تئورسین. او انگاره‌های فوق‌العاده‌ای داشت و در تیم‌سازی عالی بود اما با ستاره‌های بزرگ مراکش نظیر حکیم زیاش و اشرف حکیمی به مشکل خورد و دیگر نمی‌شود با او ادامه داد. نظم امروز تیم ملی مراکش نتیجه کار اوست. او مربی فوق‌العاده سختگیر و منضبطی بود و ستاره‌های مراکش خیلی در قید و بند نظم نبودند و از همین رو وحید با آنها به مشکل خورد و فدراسیون چاره‌ای نداشت که او را کنار بگذارد. از یوسف درباره هرزه‌رناز پرسیدیم و او حسابی از مربی فعلی عربستان تعریف کرد: رنار بهترین مربی خارجی بوده که مراکش آمده. یک تاکتیسین خبره که در مسائل فنی و البته روحی روانی استاد است. تیم فعلی مراکش نتیجه تلاش‌ها و برنامه‌های اوست. حیف شد که مراکش او را از دست داد.

یوسف گفت: ۴ سال پیش در جام جهانی روسیه با رنار برابر تیم شما شکست خوردیم اما تیم واقعاً شایسته‌ای داشتیم. آن تیم استحقاق بیشتری داشت اما بدشانس بود.

و صحبت‌های پایانی یوسف: تیم مراکش می‌تواند قهرمان شود. به حرف من ایمان داشته باشید. زنده باد مراکش!

داده بود. در ساعات پایانی شب و ابتدای بامداد که شهر رفته رفته خلوت می‌شد، در حال بازگشت از ورزشگاه البیت که ۷۰ کیلومتر بیرون شهر قرار دارد و میزبان بازی جذاب انگلیس - فرانسه بود، در مترو با یکی از هواداران مراکش برخورد کردیم که از جشن و پایکوبی شبانه به سمت محل اقامت خود می‌رفت. یوسف جوانی ۲۶ ساله و عاشق فوتبال بود که در فرانسه سکنی داشت و برای تماشای بازی‌های تیم ملی کشورش رنج سفر به دوحه را خریده بود. یوسف توصیف درباره تیمش را با یک واژه جالب آغاز کرد: فنتستیک!

او گفت: کاری که مراکش انجام داد، در واژه‌ها نمی‌گنجد. آنها به جایی رسیدند که تا به امروز هیچ کس نرسیده بود. این تیم تاریخ را از نو نوشت و شاهکار را معنا کرد. از یوسف درباره پیش‌بینی‌اش از نیمه‌نهایی پرسیدیم و او گفت: فرانسه مدعی نخست قهرمانی است و تیمی بسیار پرستاره دارد. من بواسطه اقامت در فرانسه و علاقه به فوتبال بازی‌های این تیم را دیده‌ام. واقعاً تیم فوق‌العاده‌ای دارند. اما فراموش نکنید که تیم ما هم فوق‌العاده است و کاری کرده که هیچ تیمی تا به امروز قادر به انجام آن نبوده. بنابراین تیم ما را دست‌کم نگیرید. بازی فوق‌العاده سختی در نیمه‌نهایی خواهد بود؛ چه برای ما چه برای فرانسه.

از یوسف از ولید الرکراکی پرسیدیم و او یک پاسخ جالب داد: صادقانه بگویم که تا ۳ ماه پیش اصلاً او را نمی‌شناختم! در مراکش

شرایتون، کورنیش و سوق واقف. خیابان‌ها و مترو دوحه تمام و کمال در اختیار مراکشی‌هایی قرار داشت که سرخوش از یک فتح الفتوح تاریخی دوحه را بدون خونریزی تسخیر کرده بودند. به گونه‌ای که اگر کسی از خیابان‌های شهر فیلم و عکس می‌گرفت و مکان را قید نمی‌کرد، تصور می‌کردی خیابان‌های مراکش اینگونه به تصرف مراکشی‌ها درآمده! حضور گسترده و پرشور مراکشی‌ها در خیابان‌های دوحه البته تنها منوط به حضور طرفداران تیم ملی مراکش و سفر آنها به قطر نیست. قطری‌ها برای برگزاری جام جهانی نیروی کار از سراسر دنیا استخدام کرده‌اند و یکی از مراکز استخدام آنها، مغرب بوده. به گونه‌ای که در جای‌جای شهر و در مشاغل مختلف مراکشی‌ها را می‌بینی. اشتراکات فرهنگی و البته زبان سبب شده تا مراکش یکی از مقاصد اصلی جذب نیرو برای قطر باشد و همین حضور گسترده مراکشی‌ها در مشاغل مختلف سبب شده تا به نوعی مراکش میزبان دوم جام محسوب شود. در روز برگزاری بازی‌های مراکش، مراکشی‌های مقیم دوحه با پوشیدن لباس تیم ملی خود و کلاه و شال گردن چهره شهر را تغییر می‌دهند تا به نوعی این هدایت بوجود بیاید که مراکش میزبان جام است!

شب گذشته ما این اتفاق به اوج رسید. فتح الفتوح تاریخی مراکش و رسیدن به جمع ۴ تیم پایانی سبب شد تا کل دوحه در تسخیر مراکشی‌ها باشد. جشن، رقص و پایکوبی مراکشی‌ها در مراکز عمومی با صورت‌های رنگی و لباس و پرچم مغرب چهره شهر را تغییر

نیز دارد. مراکش تیمی از شمال آفریقا در محاصره تنگه جبل الطارق دو همسایه اروپایی خود را شکست داد تا در مستطیل سبز انتقام دو سده بی‌مهری تاریخی را از اروپایی‌های نظر تنگ بگیرد. مغرب سال‌ها سایه سنگین اسپانیا و پرتغال را تحمل کرد تا سرانجام در هزاره سوم با پدیده‌ای همچون فوتبال حساب خود را با دو همسایه قدیمی صاف کند.

جنگ‌های زیربوستی و تخاصم میان مغرب با اروپایی‌ها ریشه در دل یک تاریخ طولانی دارد اما این بار هم فوتبال استعاره‌ای از زندگی شد تا در یک قاب جادویی این حساب قدیمی صاف شود. عرصه‌ای که چشم همه دنیا به آن دوخته شده تا این انتقام وجه بین‌المللی پیدا کند. شیرهای اطلس در ابتدا اسپانیای مغرور و مدعی را در قمار پنهالی‌ها با درخشش یاسین بونو کنار زدند و در مرحله بعدی پرتغال پر افاده و وحشی را با ضربه سر استثنایی یوسف النصیری مغلوب کردند تا با شایستگی پای به جمع ۴ تیم بگذارند. عاشقانه‌های تیم ولید الرکراکی تازه آغاز شده. کسی چه می‌داند؛ شاید آخر این قصه عاشقانه فینال و جام قهرمانی باشد.

از رنار تا الرکراکی

دوحه شبیه شب گذشته یک روز شورانگیز را تجربه کرد. پیروزی مراکش برابر پرتغال و صعود تیم شایسته الرکراکی به جمع ۴ تیم پایانی سبب شد تا خیابان‌های دوحه لیریز از شادی و شور باشد. مراکشی‌ها کل شهر را قرق کرده بودند؛ از سیتی سنتر و قطر مال گرفته تا هتل

سعید آقایی
روزنامه‌نگار ورزشی

هنگامی که فاکوندو تیوداور بازی سوت پایان بازی را زد، وزن کره زمین سبک شد. چرا که ۳۸ میلیون مراکشی مستقر در مغرب روی آسمان بودند تا یک اتفاق تاریخی را جشن بگیرند. اتفاقی بس سترک و شورانگیز که نام مراکش را برای همیشه به تاریخ سنجاق کرد. مراکش ۲۰۲۲ تاریخ را ورق زد و یک تابوی دیرباز را شکست تا همه دنیا به احترام شیرهای اطلس کلاه از سر بردارند. آنها متخصص اولین‌ها در قاره سیاه هستند و این بار نیز به سنت همیشه این اولین بودن را حفظ کرده‌اند. مراکش به اولین تیم آفریقایی تاریخ تبدیل شد که راهی نیمه‌نهایی جام جهانی شد.

آنها سال ۱۹۸۶ هم به اولین تیم آفریقایی تاریخ تبدیل شده بودند که راهی دور حذفی جام جهانی شده‌اند. سال ۱۹۷۰ هم به اولین تیم آفریقایی جام جهانی تبدیل شدند که موفق به کسب امتیاز در جام جهانی شده است و حالا در سال ۲۰۲۲ بدل به نخستین تیم قاره سیاه شدند که تابوی حضور در جمع ۴ تیم برتر جام را شکستند و به مرحله نهایی پای گذاشتند. سدی که کامرون در ۱۹۹۸ و غنا در ۲۰۱۴ تا یک قدمی آن پیش رفتند اما یک گام کم آوردند تا این طلسم به دست شیرهای اطلس شکسته شود و سنت اول بودن برای مراکش پابرجا بماند. شکستن این طلسم اما در دل خود یک انگاره تاریخی و سیاسی

مراکش شبیه ایران با دو تفاوت آشکار

بردن پرتغال و اسپانیا با یک جام تأخیر

سیاسی و ماجراهای دوره استعمار، خیلی خوب فرانسوی حرف می‌زنند و با فرهنگ فرانسوی آشنا هستند. انتخاب رنار توسط هر کسی که صورت گرفت، انتخابی عالی و هوشمندانه بود. درست برعکس فوتبال ایران که هیچ‌گاه نمی‌داند کدام مربیان با کدام فلسفه به درد فوتبال ایران می‌خورند و نتیجه‌اش ویلموتس گیت می‌شود.

برسیم به مراکش؛ تیمی که به زعم ما پدیده جام است. آنها با رنار تیم شدند و استعداد‌های‌شان را شناختند. در جام جهانی ۲۰۱۸ آنها باید مرز انتخاب خوب خود را می‌گرفتند اما در فوتبال همیشه باید خوش‌شانس هم باشی و آنها بدشانس بودند که دقیقه ۹۰ با گل به خودی به ایران باختند و مساوی با پرتغال برای صعود آنها بی‌فایده بود.

بعد از دوران طلایی رنار، فدراسیون فوتبال مراکش سراغ یک فرانسوی دیگر رفت؛ وحید هلیلهودزیج. یک بوسنیایی که در فرانسه،

سعید زاهدیان - دوحه
روزنامه‌نگار ورزشی

صعود مراکش به نیمه‌نهایی جام جهانی شگفتی است؟ بیایید واقع‌بین باشیم؛ مراکش ۴ سال پیش در روسیه هم نمایش‌های حیرت‌انگیزی داشت. باید مقابل ایران و اسپانیا برنده می‌شد و مستحق‌تر از تمام تیم‌های گروه -حتی اسپانیا و پرتغال- برای صعود بود. آنها با هرزه رنار قهرمان جام ملت‌های آفریقا شده بودند و تیمی که امروز می‌بینیم، محصول حداقل ۶ سال کار و برنامه‌ریزی است. رنار یک مربی با افکار و فلسفه کاری مربیان فرانسه-که سابقه مربیگری در زامبیا، ساحل عاج و آنگولا را داشت، بعد از هدایت باشگاه لیون پیشندان مراکش را قبول کرد و دوباره به آفریقا بازگشت. او هدایت تیمی را برعهده گرفت که مردمانش به دلایل پیشینه قدیم و اتفاقات

مراکش را پای فینال جام جهانی می‌بینیم. پس صعود از مرحله گروهی، بردن اسپانیا و پرتغال -دو تیم قدرتمند شبه جزیره ایبریا- اصلاً اتفاقی نبوده و نگاهی به اتفاقات ۷-۸ سال اخیر مراکش نشان می‌دهد که چرا آنها در نیمه‌نهایی بازی می‌کنند. اما فوتبال ایران پس از کی‌روش سراغ ویلموتس رفت؛ مهم‌ترین دلیل انتخاب ویلموتس، سفارش مرکز فرهنگی ایران و هلند بود که هیچ ربطی به فوتبال نداشت و از دوره مدیریت سلطانی فر در میراث فرهنگی، همچنان با وزیر ورزش در ارتباط بود. چند ماه پس از این انتخاب غلط، سراغ کروات‌های دم دست رفتیم و تیم را به اسکودیچ دادیم. در حالی که اگر دو ماه صبر می‌کردیم، رنار آماده کار در ایران و ساختن تیمی شبیه مراکش بود.

فوتبال ایران قبل از جام جهانی شرایطی مشابه مراکش داشت؛ آنها هلیلهودزیج بداخلاق را کنار گذاشتند تا آرامش به تیم ملی این کشور

بازگردد ولی ایران سراغ کی‌روش رفت تا سوءمدیریت داخل تیم و اختلافات را جمع کند که این کار را هم نکرد و نتیجه هم نگرفت و مثل همیشه ناکام بود. فوتبال ایران باید تکلیف خودش را روشن کند؛ کارهای بزرگ در فوتبال دنیا برای ماتا ایدر رویاست و بردن تیم‌های بزرگی مثل اسپانیا و پرتغال با انتخاب‌های دم‌دستی ممکن نیست. اگر دوست داریم پدیده جام باشیم، اگر می‌خواهیم فوتبال به مردم‌مان ایران همان شادی زایدالوصفی که این روزها مراکش به سرزمینش هدیه داده را رقم بزنند و انتقام ۴ سال قبل را از شبه جزیره ایبریا بگیرد، باید از حالا مربی خود را با فلسفه‌ای مشخص انتخاب کنیم و برای رسیدن به رویاهای خیلی زیاد صبور باشیم.

